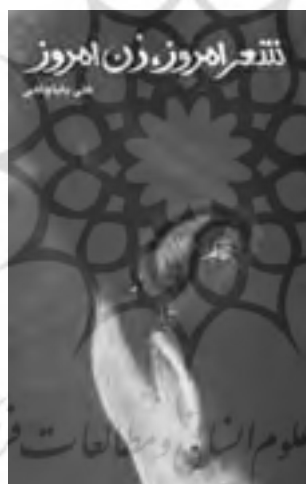


نگاهی به

شعر امروز، زن امروز

نرگس باقری*



* شعر امروز، زن امروز

* گزینش و تحقیق و بررسی: علی باباچاهی

* انتشارات ویستار، ۱۳۸۶.

حرفه‌ای (۱۳۸۱)، این بانگ دلاویز (۱۳۸۴) و تاریخ ادبیات معاصر ایران (۱۳۸۴).

بنابراین نویسنده کتاب «شعر امروز، زن امروز» هم شاعر است و هم منتقد. بحث اصلی این کتاب، شعر زنان ایرانی است. نویسنده می‌کوشد صدای زنانه و زندگی زنان را در دروه‌های مختلف شعر فارسی مورد بررسی قرار دهد و دغدغه اصلی او واکاوی شعر معاصر و مدرن است. کتاب از سه بخش تشکیل شده است. نویسنده در هر بخش نگاهی دارد به شرایط اجتماعی-سیاسی دوران شاعر و به شیوه تاریخ ادبیات‌نویسی قدیم، ابتدا اوضاع و احوال زمانه شاعر را مشخص می‌سازد و انعکاس آن بر شعر شاعر را نشان می‌دهد که البته این نگاه در بخش اول کم‌رنگ‌تر است. در بخش اول چهره سه زن شاعر معروف به نام‌های رابعه، مهستی گنجه‌ای و جهان ملک‌خاتون نشان

علی باباچاهی، در سال ۱۳۱۲ در بوشهر چشم به جهان گشود. تحصیلات دانشگاهی را در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه شیراز به پایان برد. چندی تدریس می‌کرد و سپس به ویراستاری روی آورد و دبیر صفحات شعر مجله آینه شد.

از او دفترهای شعر به نام‌های در بی‌تکیه‌گاهی (۱۳۴۶)، جان و روشنائی‌های غمناک (۱۳۴۹)، از نسل آفتاب (۱۳۵۲)، صدای شن (۱۳۵۶)، آوای دریا مردان (۱۳۶۸)، نم‌نم بارانم (۱۳۷۵)، عقل عذابم می‌دهد (۱۳۷۹)، منزل‌های دریا بی‌نشان است (۱۳۷۶)، رفته بودم به صید نهنگ (۱۳۸۲) به چاپ رسیده است.

وی جدا از چاپ مجموعه اشعار به نقد و پژوهش در شعر معاصر ایران نیز پرداخته است و از او آثار متعددی در حوزه‌های یاد شده چاپ شده است، مانند: گدازه‌های منفرد (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰)، سه دهه شاعران

می‌کند و دیگر مؤلفه‌ها. و البته استثناهایی نیز برای بعضی شاعران قائل می‌شود. سپس این ویژگی‌ها را با آوردن مثال‌هایی از شاعران زن مورد بررسی قرار می‌دهد و لیستی از این‌گونه شاعران به دست می‌دهد. آنگاه عنوان شعر زنانه را مطرح می‌کند و به بررسی نظریات «اصالت زن» و «فمینیسم» می‌پردازد و به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا تمایزی بین نوشتار زنانه و مردانه مطرح است؟ و سپس زندگی و زنانگی متن شعرها را بررسی می‌کند و شعر اعترافی شاعران زن را با این رویکرد می‌کاود.

نویسنده می‌گوید: «در شعر نوگرا، زنان شیفته تغییر اوضاع مورد علاقه مردان، وارونه کردن کلیشه‌ها و برجسته کردن تجارب زنانه هستند. برای ممتاز کردن تجارب زنانه یا اولویت دادن به زنان، ایشان ناگزیرند کلامی کاملاً زنانه به وجود آورند» اما آنچه به نظر او مهم‌ترین مؤلفه و دغدغه در شعر است، «فردیت» شاعر است و در این صورت اگر فقط کلام زنانه باشد یعنی در حد واژه‌هایی که زنان در زندگی روزمره با آن سر و کار دارند بیان شود، اما از فردیت شاعر نشأت نگیرد دیگر زنانه نیست.

عنوان بعدی شاعران متعارف-غیرمتعارف‌نویس (شعر اقلی) است که بعضی اشعار کسانی چون نیما یوشیج و فروغ فرخزاد ذیل آن قرار می‌گیرند. شعری که به صراحت و عینیت معطوف است و سطح توقع هنری مخاطب را کمی بالاتر می‌برد و پیش‌فرض‌های ایدئولوژیکی و یا غیرایدئولوژیکی را تا حدی بی‌اعتبار می‌کند و او را به نوعی بصیرت و فرزانیگی در زمینه کارکردهای زبان و... پیوند می‌دهد (ص ۱۶۳). در اینجا نویسنده چند ویژگی خاص شعر فروغ فرخزاد را توضیح می‌دهد و سپس زندگی و زنانگی را در شعر شاعران شعر اقلی بررسی می‌کند و در این بررسی نشان می‌دهد که بعضی از آنها چگونه گرد کلیشه را از تعزل زوده‌اند و رویکردی آمیخته به طنز پیدا کرده‌اند و چگونه تعبیر دیگری از عشق و تأویل‌های دیگری از مادرانگی دارند و از حدیث نفس فاصله گرفته‌اند و بر سوز و گدازهای عاشقانه و اشک و آه‌های شبانه خط کشیده‌اند و مردسالاری را به چالش کشیده‌اند و از اندوه زن بودن سروده‌اند.

آخرین عنوان، شاعران نامتعارف‌نویس (استفهامی) است که در تعریف آن می‌گوید: «بخشی از شعر امروز ایران - با گرایش‌های مختلفی - زیر عنوان «شعر در وضعیت دیگر» قرار می‌گیرند و این همان شعری است که غیر نیمایی، پسامدرن و... نیز نامیده شده است. «شعر در وضعیت دیگر» همان‌گونه که در جاهایی دیگر نیز مطرح کرده‌ام، شعری است که به ضرورت نقض موارد و مؤلفه‌هایی می‌انداشد که شعر مدرن موجود بر آن مبانی استوار است. مؤلفه‌هایی چون: خود

داده شده تا پیوندی میان پیشینه ادب فارسی با زمان معاصر برقرار شود. در معرفی این شاعران، نویسنده از تذکره‌های فارسی استفاده کرده است. معرفی مهستی گنجه‌ای و شهرآشوب‌های وی به جذابیت این بخش افزوده است.

بخش دوم وارد بحث اصلی کتاب یعنی شعر امروز زنان می‌شود و از عصر جدید، جنبش آزادی‌خواهی و انقلاب مشروطیت سخن می‌گوید و پس از روشن ساختن شرایط اجتماعی و سیاسی آن دوران، مبحث زنان شاعر در عصر جدید را ادامه می‌دهد. در این مبحث به معرفی اجمالی زنان شاعر در عصر قاجار می‌پردازد و پس از آن دو شاعر معروف این دوره، یعنی عالم‌تاج قائم‌مقامی (ژاله) و پروین اعتصامی را مفصل‌تر معرفی می‌کند که بررسی اشعار این دو شاعر نیز از قسمت‌های قابل توجه این بخش است. نویسنده پس از نقد نظرات دیگران، نظرات شخصی خود در خصوص آن دو را بیان می‌کند.

بخش سوم، به سه دوره تاریخی توجه دارد. الف) ۱۳۲۰-۱۳۳۲، ب) ۱۳۳۲-۱۳۵۲ و پ) ۱۳۵۰-۱۳۵۷ که پس از معرفی این سال‌ها از لحاظ سیاسی-اجتماعی، عناوینی را مطرح کرده و به تعریف آنها پرداخته و سپس مؤلفه‌های آن را در شعر شاعران بررسی می‌کند. مفصل‌ترین بخش کتاب، همین بخش سوم است.

مؤلف کتاب، شعر آرمانگرایی این سال‌ها (از ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۷) را با مؤلفه‌هایی چون اسطوره‌سازی، طنز اجتماعی و قهرمان‌پروری مورد بررسی قرار می‌دهد و توضیح می‌دهد که شعر این دوره، زنانه، مردانه، نمی‌شناسد و سپس از شعر شاعران زن مثال می‌آورد.

مهم‌ترین مبحث این بخش، تقسیم‌بندی شعر به سه عنوان شعر اعترافی، شعر اقلی و شعر استفهامی است که نویسنده ضمن معرفی این تقسیم‌بندی و شرح مؤلفه‌های هر یک از انواع شعر و ذکر ویژگی‌های آن، شعر زنان را ذیل این تقسیم‌بندی‌ها با توجه به زنانگی آنها تحلیل و بررسی می‌کند و در این باره می‌گوید: «برای درک ساز و کارها و رویکردهای زبانی و مفهومی شعر زنان در عصر حاضر، در وهله نخست شعر شاعران زن را زیر عنوان گفته شده داده است» (ص ۱۳۳). البته متذکر می‌شود که «این تقسیم‌بندی - شعر اعترافی و... - مختص شعر زنان نیست» (ص ۱۲۴).

عنوان نخست، شاعران متعارف‌نویس (شعر اعترافی) است. و توضیح می‌دهد که شعر اعترافی بیان حال و شرح درون شاعر است به‌گونه‌ای کم و بیش مستقیم. نوآوری‌ها در آن گسترده نیست و آشنایی‌زدایی نمی‌کند. گاه شیوه خطاب و نوشتار رمانتیک دارد و می‌خواهد با کمک وزن از نثر فاصله بگیرد. تحت تأثیر شعر رایج و چهره‌ای مشخص قرار می‌گیرد، جنبه خاطره‌نگاری، اعلامیه و یادداشت‌های شخصی پیدا

(مؤلف) بینی، گفتمان اقتدارگرا، مطلقیت باورها و ارزش‌ها. دیدگاه ثابت (حقایق پرسش‌ناپذیر)، زمان مکانیکی و مسلسل (که زمان روان‌شناختی در مقابل آن قرار می‌گیرد)، تقابل‌های دوتایی: صدق و کذب، نیک و بد، فرشته و شیطان و... (ص ۱۷۸).

نویسنده مخاطب کتابش را مخاطبی آشنا می‌پندارد که با همه این مؤلفه‌ها آشنا است. کمی سخت و پیچیده سخن می‌گوید، بعضی از مباحث مطرح شده‌اش در نقد ادبی جایگاه ویژه دارند و نیاز به گسترش موضوع، بحث تحلیل و بررسی بیشتر دارند تا طیف مخاطبان بیشتری را در بر بگیرد و زبان ساده‌تر شود. پس از ذکر اجمالی این تفاوت‌ها، درست مثل دو عنوان قبلی زندگی و زنانگی در متن شعرها مورد بررسی قرار می‌گیرد، اما در این قسمت نویسنده بیشتر ویژگی‌هایی چون سادگی در شعر، احتراز از معنی کردن مجاب‌کننده، استفاده از وجه استعاری زبان و... را مطرح می‌کند و کمتر به ویژگی‌های زنانه و تغییر و تحول و چگونگی آنها پرداخته است اینکه درون‌مایه‌ها، نگرش‌ها و لفظ‌ها چه تغییری می‌کنند و نوع بیان چگونه است؟ و تنها به نشان‌دادن مواردی مثل نگاه فراجنسیتی و چندوجهی بودن زن ایرانی در غربت و نگاه و بیانی غیراحساساتی و... بسنده کرده است. به نظر می‌رسد نگاه نویسنده بیشتر معطوف به ارزش‌زبانی و شعری آنها می‌شود و بیشتر به شعر و به انسان می‌پردازد تا زن و بعید به نظر می‌رسد که شعر تا این اندازه فراجنسیتی شده باشد. از ص ۲۰۵ به بعد، در آخرین قسمت از کتاب، نویسنده نمونه آثار شاعران زن را با تقسیم‌بندی‌هایی چون نوگامی - نوخواهان، پیشگامی، متعارف‌نویسان (شعر اعترافی)، شاعران متعارف - غیرمتعارف‌نویس (شعر اقناعی) و شاعران نامتعارف‌نویس (شعر استفهامی) می‌آورد. این بخش گنجینه‌ای از نمونه‌های آثار شاعران آشنا و غیرآشنای زن است و سیر تکوینی شعر زنان را نشان می‌دهد و کمتر نامی از قلم افتاده است. موضوع کتاب «شعر امروز، زن امروز» موضوعی تازه و قابل توجه است و شامل نکات مثبت و ارزنده فراوانی است. نگارنده برای پیراستگی هرچه بیشتر آن به نکاتی برخورد کرده است که در اینجا به ذکر آنها می‌پردازد:

۱. پیش از این نیز اشاره شد فهم بعضی مطالب به دلیل عدم شکافتن و واریسی مطلب و توضیح آن مشکل است و نویسنده فرض را بر مخاطبی آگاه با مباحث نقد ادبی گذاشته است و

- این از طیف مخاطب گسترده می‌کاهد.
۲. گاهی جملات طولانی است و نقل قول‌ها با متن اصلی همخوانی نگارشی ندارد و علائم نگارشی در جای خود و به موقع استفاده نشده است، به عنوان مثال بسیاری از جملات بدون نقطه پایانی رها شده‌اند و در عوض بسیاری جملات بدون هیچ لزومی با علامت تعجب پایان یافته‌اند.
۳. بعضی جملات از نظر نگارشی سلیس و روان نیست - به استثنای جملاتی که در نقل قول‌ها به این شکل آمده‌اند - در اینجا به بعضی از این جملات اشاره می‌شود: «تا اینجا با چند شاعر زن: پروین اعتصامی و فروغ فرخزاد مواجهیم که این یکی را بنیانگذار فرهنگ مؤنث شعر فارسی هم دانسته‌اند» (ص ۱۷) که اینجا تنها از دو شاعر نام برده شده است.
- «در حکایت عطار از عشق رابعه که رو به پایان می‌رسد با این ابیات درخشان مواجه می‌شویم.» (ص ۲۲)
 - «علی‌اکبر دهخدا همین مضمون را در روزنامه صور اسرافیل به قلم طنزآلودش به رشته تحریر در آورده و بی‌سوادی و خرافاتی بودن را به باد استهزاء گرفت و به بی‌ارزشی زنان در اجتماع اشاره کرد.» (ص ۵۰)
 - «او به فضای هنری جامعه خویش حساس بوده، از این‌رو بعد از خواندن شعر «کفن سیاه» از میرزاده عشقی «یک تکه زر تاریخی را همراه نامه‌ای» برای او می‌فرستد که موجب خشنودی او می‌شود.» (ص ۶۰).
 - «حاکمیت نظام پدرسالارانه - که نشانه‌های آن را در قدرت نوشتار مردانه باز می‌یابیم - سبب می‌شود که دامنه تجارب اجتماعی-سیاسی و به تبع آن تجارب نوشتاری زنان محدود به نظر می‌رسد.» (ص ۱۳۸).
 - «درست از همین جا که فروغ می‌کوشد خود را از شر هرچه رمانتیسیم و از دست هرچه وزن (نه موسیقی) است و پاگیر است، شاخه‌هایی سر بر می‌کشند.» (ص ۱۵۹).
 - «شعر صفارزاده بر خلاف شعر فروغ که سویه‌های عاطفی-غنائی دارند، «فکر»ی اجتماعی-مذهبی را با اجرایی نو در کار تطهیر و توجیه آشکارگی و عدم مفصل‌بندی آثار اوست، اما این عدم ایجاز و میل به شرح بیان، دست ما را می‌گیرد و بر کرانه‌های ناآشنایی گذر می‌دهد.» (ص ۱۶۱).
 - «شعر اقناعی در انواع گرایش‌های خود - گفتاری، استعاری و... تحول و دگرگونی را بر مبنای نوعی لذت و رشد جنبه‌های صوری دنبال می‌کند و کم و بیش از ماجراجویی در زمینه
۴. زبان و ... می‌پردازد.» (ص ۱۶۳).
۴. عدم انسجام در چینش مطالب. به عنوان مثال شیوه ذکر نقل قول‌ها در ص ۲۰ و یا در ص ۴۷ در ذکر مؤلفه‌های مسلط شعر، یکی از موارد به شکل پاراگراف تورفتگی دارد، همچنین ص ۵۶ طریقه نوشتن ترجمه تحت‌اللفظی شعر به نثر یا در ص ۱۴۰ که پرش مطلب دیده می‌شود، شاعر مبحثی را اینطور تمام می‌کند: «شاید اعتقاد به یک زبان ویژه زنان، سرابی بیش نباشد. همان‌طور که کریستوا نشان داده است، هر کاربردی از زبان که موقعیت‌های تبعی تعیین شده را مختل می‌سازد، لزوماً زبانی زنانه نیست. با توجه به مطالبی که گذشت می‌توان در زمینه شعر زنان شیوه زیر را در نظر گرفت» و در پاراگراف بعد به جای مشخص کردن شیوه‌ای که می‌گوید، می‌آورد که «شنیدن این حکایت! نیز شاید خالی از لطف نباشد!» و الی آخر. و ص ۱۲۶ مأخذ (مادرانه‌ها، ص ۱۱۵) بی‌مورد ذکر شده است و جای آن معلوم نیست.
۵. غلط‌های تایپی فراوان در متن که به چند مورد اشاره می‌شود: ص ۳۷ قران به جای قرن، ص ۸۹ مردسالانه به جای مردسالارانه، ص ۶۰ مصدوق به جای مصدق، ص ۲۱ زندگی او آمیزه‌ای واقعیت و افسانه است به جای زندگی او آمیزه‌ای از واقعیت و افسانه است، ص ۷۲ سائب به جای صائب، ص ۹۰ اصلاحات به جای اصطلاحات، ص ۹۱ با توجه توضیحاتی مختصر که در مورد اوضاع ارائه شد به جای با توجه به توضیحاتی ...، ص ۹۷ فرد را به جای فردا را، ص ۱۲۴ شعر نو خواهان نیز می‌تواند زیر همین عنوان قرار دارد! به جای شعر نو خواهان را نیز می‌توان زیر همین عنوان قرار داد، ص ۱۳۱ گاه از میان یک شعر نسبتاً بلند اعتراض با «بندی» مواجه می‌شویم که حال و هوا و فضاهای دیگر (تازه‌ی روبه‌رو می‌شویم!، ص ۱۳۸ مدران به جای مردان و ص ۱۴۷ فعل‌پذیری به جای فعل‌پذیری و مواردی دیگر.
۶. گاهی حالت خودمانی نویسنده با مطالب جدی و نثر رسمی همراه شده است مثل: ص ۲۳ نقل می‌کنم، ص ۳۸ ملک‌خاتون ما، ص ۱۴۵ فریود خوب خودمان.
- باشد که در چاپ‌های بعدی این کتاب به این موارد توجه شود.

پی‌نوشت

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران.